رمانتیسم اجتماعی در شعر میرزا احمد داواشی

ناهید اشرفی[1]

چکیده:

مکتب رمانتیسیسم محصول تغییرات ساختاری سیاسی و اجتماعی است که تجلی آن در ادبیات موجب خلق آثار ماندگار و تأثیرگذاری شده‌است. این جریان متناسب با فضای سیاسی و اجتماعی هر جامعه تأثیرات گسترده‌ای بر ادبیات آن جامعه گذاشته‌است. دورهٔ مشروطه نقطه عطفی در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران است که موجب تغییر رسالت ادبیات گشت، شعر و ادبیات برای جریان‌سازی عمیق‌تر رویکردی مردم گرایانه یافت. میرزا احمد داواشی از شاعران کرد زبان است که با شناخت دقیق از فرهنگ و جامعه خود اشعارش را وسیله‌ای برای بیان تحولات سیاسی و اجتماعی قرار داده است. میرزا احمد داواشی با ذهنیتی غنایی در اشعارش مضامین اجتماعی را به شکل انتقاد از ظلم و ستم ملاکین، بی‌عدالتی آن‌ها، توجه به حقوق کشاورزان و تهی‌دستان، دادخواهی و نقد کنش‌های اجتماعی با زبانی نمادین رمانتیک و تعلیمی بازگو کرده‌است. این پژوهش به شیوهٔ توصیفی - تحلیلی به بررسی تأثیرات مکتب رمانتیسیسم از جنبه اجتماعی بر شعر میرزا احمد داواشی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: شعر، میرزا احمد داواشی، رمانتیسیسم، رمانتیسم اجتماعی، مضامین اجتماعی.

[1]. دکترای زبان و ادبیات فارسی anahitawork@yahoo.com

Social romanticism in Mirza Ahmad Dawashi's poetry

Nahid Ashrafi[۲]

Abstract:

Romanticism is the product of political and social structural changes, whose manifestation in literature has led to the creation of lasting and influential works. This current of thought, appropriate to the political and social atmosphere of each society, has had a wide impact on the literature of that society.Constitutional Revolution is a turning point in the political-social history of Iran, which changed the mission of literature, poetry and literature found a populist approach for a deeper flow. Mirza Ahmad Davashi is one of the Kurdish poets who, with a detailed understanding of his culture and society, made his poems a means of expressing political and social developments. Mirza Ahmad Davashi, with a lyrical mentality, In his poems, he narrated social themes in the form of criticizing the oppression landlords, their injustice, paying attention to the rights of farmers and the destitute, suing and criticizing social actions with a romantic and didactic symbolic language.In a descriptive-analytical way, this research examines the effects of the school of romanticism from the social aspect on the poetry of Mirza Ahmad Dawashi.

Key words: poetry, Mirza Ahmad Dawashi, romanticism, social romanticism, social themes.

[۲] anahitawork@yahoo.com .

مقدمه

شعر و ادبیات کارکردهای متنوعی دارد، لذا همواره تحت تأثیر تحولات اجتماعی و سیاسی قرار گرفته‌است. مکتب رمانتیسم نیز محصول تحولات نظام اجتماعی اروپا و انقلابی است که ابتدا در اصول فکری و فلسفی جامعه سپس در نظام اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در طول سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی رخ داده است. طی تحولات اجتماعی و با رشد طبقهٔ متوسط زمینه‌های پیدایش این مکتب ابتدا در آلمان و انگلیس و سپس در فرانسه فراهم آمد، هرچند این مکتب در فرانسه دیرتر ظهور یافت اما به دلیل هم‌زمانی با دوران انقلاب در فرانسه زمینه‌های رشد این مکتب در فرانسه بیشتر مهیا شد. «رمانتیسم با تردید در بنیان‌های عقل‌گرایی در هر کشوری که نوعی نارضایی اجتماعی وجود داشته رخنه کرد، خاصه کشورهایی که زیر چکمهٔ مشتی برگزیدگان خشن و سرکوبگر یا مردانی بی‌کفایت بودند» (برلین، ۱۳۸۷: ۲۱۱).

در ایران نیز رمانتیسم با توجه به تغییر نگرش روشنفکران در دورهٔ مشروطه رواج یافت. برخی از ویژگی‌های رمانتیسم که با ساختار شعر کردی همسو بوده در ادبیات کردی نمود یافته است و میرزا احمد نیز به تبع از این ویژگی‌ها در شعرش بهره برده است. با وجود دل‌بستگی میرزا احمد به موازین و سنت‌های شعر کردی نمی‌توان شیوهٔ او را در شعر به تمام معنا سنت‌گرا تلقی کرد و تأثیر نحله‌های فکری و اسلوب‌های ادبی هم عصر وی را در شعرش نادیده گرفت. تأمل در دیوان شعرش این نکته را بیان می‌کند که میرزا احمد با شناخت از جامعهٔ زیستی خود و ارزیابی دقیق و نگاه نقادانه هر آنچه را درست می‌دانست انتخاب می‌کرد و در خلق شعرهایش از آن‌ها بهره می‌گرفت.

بیان مسأله

هدف مقاله حاضر بررسی اجمالی جلوه‌های رمانتیسم از دیدگاه اجتماعی در شعر میرزا احمد داواشی و تحلیل ویژگی‌های این مکتب در دیوان اشعار وی است، اینکه شاعر در سرایش اشعارش به جنبه‌های رمانتیک شعر وقوف داشته است یا نه؟ اطلاعات قابل اعتمادی در دست نیست، اما با توجه به مضامین مشترک در شعر میرزا احمد با اشعار رمانتیسم می‌توان احتمال داد که با آثار ادبی این سبک آشنا بوده است. آشنایی و درگیری زود هنگام وی با مسائل سیاسی در منطقه و حضور در جنگ میان سرداران کرد و حکومت مرکزی فرصت دیدن و تجربهٔ تأثیر تحولات سیاسی بر زندگی مردم را از نزدیک برای میرزا احمد فراهم نموده است. (ر. ک به جنگ‌نامه هه‌لاله زه‌رده دیوان صفحه ٥٦٧). آگاهی میرزا احمد نسبت به امکانات فرهنگی و زبانی خود و شعر

کردی و هم چنین آشنایی با فضای اندیشگانی سیاسی – اجتماعی ایران موجب تجلی یافتن برخی مؤلفه‌های رمانتیسم در اشعار وی شده است. این پژوهش به شیوهٔ توصیفی - تحلیلی از یک سو بافت تاریخی و اجتماعی عصر مشروطه و سیاست‌های دوره پهلوی و تأثیر آن در مناطق کرد زبان را نشان می‌دهد؛ از دیگر سو مکتب ادبی رمانتیسم و چند و چون نفوذ آن بر شعر میرزا احمد را واکاوی می‌کند. در تحلیل اندیشه‌های اجتماعی میرزا احمد باید توجه کرد که او همواره نقش یک منتقد را نسبت به طبقات اجتماعی و نظام مالک و رعیتی در جامعه داشته و با زبانی نمادین ناآگاهی مردم و سوء استفاده‌های نظام حاکم را از این ناآگاهی به تصویر کشیده است. وی با ساختن دوگانه‌هایی میان شهری و روستایی، جنگ و صلح، پیری و جوانی، گرگ و بز و میش، روباه و پرندگان، ویژگی‌های جامعه سنتی و فریبکاری‌های عنصر قدرت را برای استثمار مردم بیان می‌کند.

در تبیین پیشینهٔ این پژوهش باید گفت اشعار میرزا احمد داواشی کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. مقاله‌ای با عنوان «بررسی جلوه‌های رمانتیسم در شعر میرزا احمد داواشی» در مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای بررسی و تحلیل آثار و اندیشه‌های میرزا احمد داواشی به چاپ رسیده است و جز این مجموعه کار پژوهشی دیگری مشاهده نشد. در این مقاله عطا الماسی مؤلفه‌های رمانتیسم را در شعر میرزا احمد، تخیّل و احساسات، عشق، طبیعت‌گرایی، مرگ اندیشی، غم و اندوه، ستایش شهید و شهادت، میهن دوستی و قهرمان پروری برشمرده است و به جنبه‌های اجتماعی اشعار میرزا احمد کمتر توجه نموده است. ما بر آنیم در اشعار میرزا احمد مهمترین مؤلفه‌های رمانتیسم اجتماعی همچون ذهنیت غنایی و پرداختن به مسائل اجتماعی، طبیعت‌گرایی در مفهوم نمادین، نابرابری‌های اجتماعی و درون‌مایه‌های اجتماعی و سیاسی را بررسی کنیم.

رمانتیسم و تفکر اجتماعی عصر شاعر

تعاریف و معانی متعددی که از رمانتیسم ارائه شده، بیشتر آن را هزارتویی سیال و متنوع نشان می‌دهد و این تنوع گاه باعث فروکاستن معنای آن در یک حوزه شده است؛ مثلاً معنای واژهٔ «رمانتیک» را محدود به حوزه احساسات در ادبیات و هنر در باب عشق و تخیل و طبیعت نشان داده‌اند. گاهی این فرودکاهی معنا باعث شده است که به جنبه‌های اجتماعی و تاریخی این جریان توجه نکنیم. «رمانتیسم محل تلاقی تضادهاست در عین حال یا به تناوب انقلابی و ضد انقلابی، جهانی و ملی، واقع‌گرا و خیال‌پرور، بازگشت‌گرا و یوتوپیایی، دموکراتیک و اشرافی، جمهوری‌خواه و سلطنت طلب، سرخ و سفید، عرفانی و حسی و... است» (سه‌یر و لووی، ۱۳۷۳: ۱۲۰). رمانتیسم اجتماعی از یک سو با رمانتیسم از دیگر سو با رئالیسم مرتبط است و در آن

نوعی گرایش سوسیالیستی وجود دارد. «هدف احساس‌گرایان اجتماعی تغییر نظام اجتماعی فرانسه بعد از امپراتوری بود و تفاوت آن‌ها با احساس‌گرایان نخستین این بود که اینان علاوه بر احساسات فردی به منافع جمع نیز توجه داشتند. این گروه از لحاظ فلسفی و اجتماعی یا سوسیالیست یا متمایل به آن بودند و اعتقاد داشتند که اغتشاشات و بی‌عدالتی‌های اجتماعی ناشی از تمرکز ثروت در دست اقلیتی ناچیز است» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۷۴۲). احساس‌گرایان با تکیه بر احساسات و عواطف در جهت گسترش عدالت و در هم شکستن طبقات برتر فعالیت می‌کردند و تلاش داشتند تا زمینهٔ مناسبی برای قدرت گرفتن طبقهٔ متوسط فراهم نمایند، به همین جهت شعر در این مکتب سخن طبقهٔ حاکم و اشراف نیست و به زبان توده مردم نزدیک می‌شود و پایگاهی برای عدالت خواهی و مقابله با ظلم و ستم می‌شود.

پیدایش و گسترش هر جریان ادبی پیوندی انکارناپذیر با ساختار اجتماعی و سیاسی یک جامعه دارد به همین دلیل است که مکتب رمانتیسم در جامعه ما هم‌زمان با دیگر کشورها پدیدار نشده است. آغاز دورهٔ رمانتیسم در ادبیات کردی را می‌توان مصادف با اوایل قرن بیستم دانست. رمانتیسم دانستنِ بخشی از جریان تجدد ادبی در شعر کردی علی الخصوص در شعر میرزا احمد ناشی از تأثیر هژمونیک در ادبیات کردی است که به مرور طرح و تثبیت شده است، بدون این که ریشه‌های آن بررسی شود. البته می‌توان گفت این مسئله به ذات هنر و ماهیت بینامتنی و بینا گفتمانی آن وابسته است. هر زبان و فرهنگی با توجه به وضعیت جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی نگرش جدیدی به یک مکتب خاص می‌بخشد. بنابراین ویژگی‌های مکتب رمانتیک نزد هر ملتی همان ویژگی‌های رمانتیسم اروپایی و نخستین را ندارد. هر چند طبیعتاً اشتراکات زیادی دارند اما رنگ و بوی متفاوتی خواهند داشت. برخی مؤلفه‌های ادبیات رمانتیک مثل طبیعت‌گرایی، عشق و... پیش از ظهور رمانتیسم در شعر شاعرانی مانند بیسارانی و مولوی دیده می‌شود. «در ادبیات کردی نیز می‌توان اثر شاعرانی چون بیسارانی، مولوی، برخی از اشعار نالی و سالم را به عنوان آثار شعر رمانتیک کردی تلقی کرد که پیش از پیدایش رمانتیسم در ادبیات کردی سروده شده است» (ابوبکر،۲۰۱۰: ۲۱۳). در ادبیات کلاسیک کردی همواره رگه‌هایی از مکتب رمانتیک دیده می‌شود که ناشی از عواملی چون جغرافیا، حس همبستگی و هویت ملی با توجه به وضعیت کردها در میان کشمکش قدرت‌های حاکم، حفظ ارزش‌های فرهنگی و ادبیات فولکلور غنی کردهاست. دورهٔ زندگی میرزا احمد داواشی هم دوره با تحولات اواخر دورهٔ قاجار، عصر مشروطه، حوادث عصر رضاخانی و دورهٔ پهلوی در ایران است، در این دوره تأثیر شاعران ایران از رمانتیسم مشهود است و مسائل اجتماعی در این دوره تحت تأثیر این نگرش دچار تحولات عمیقی می‌گردد. به شکلی

که تعریف جدیدی از واژه‌هایی چون «ملت»، «مجلس»، «مردم»، «وطن» و« آزادی» در جامعه و میان طبقات اجتماعی شکل می‌گیرد. و این تحول در شعر میرزا احمد انعکاس یافته است.

میرزا احمد داواشی (۱۲۸۴ - ۱۳۵۹ هجری شمسی) در شهر روانسر از توابع کرمانشاه تولد یافت، دوران کودکی تحت آموزش پدر قرار گرفت، سپس در مکتب خانه‌های محلی به فراگیری علوم می‌پردازد و در آن‌جا با زبان‌های فارسی و عربی آشنا می‌شود. اما در ایام نوجوانی به علت مسائل منطقه در کنار پدرش برای همراهی با سردار رشید خان اردلان در جنگ با رضاخان حضور پیدا می‌کند و از آن پس بنابر علاقهٔ شخصی به کسب علم و دانش پرداخته است. با نگاه اجمالی به دیوان میرزا احمد می‌توان اشعارش را به چهار دسته تقسیم کرد:

الف) تحمیدیه‌ها که در آن به ستایش و حمد بزرگان دینی پرداخته است؛

ب) عاشقانه‌ها و اشعار توصیفی، شعرهای غنایی که بنا بر سنت اشعار کلاسیک سروده شده است؛

پ) اشعار کوتاه و تک بیت‌های تعلیمی و تمثیلی؛

ت) اجتماعیات، اشعاری که گاه با صراحت و گاه با زبان نمادین به بیان مسائل اجتماعی می‌پردازد.

میرزا احمد با استفاده از زبان سادهٔ شعر فولکلور کردی و تکنیک‌های شعر کلاسیک کردی و طرح مضمون‌های اخلاقی و اجتماعی با رویکرد روشنگری و آگاه‌سازی بعضی ویژگی‌های رمانتیسم را در اشعارش به کار برده است. پس می‌توان گفت وی با استفاده از زبان سادهٔ خود و تکنیک‌های مستحکم شعر کلاسیک و نیز با طرح مضامین اخلاقی و اجتماعی البته با رویکردی آگاهی‌بخش و رمانتیک به کارکرد جدیدی در خلق مضمون دست یافت.

جلوه‌های رمانتیسم اجتماعی در شعر میرزا احمد

«رمانتیسم در ذات خود به ویژگی‌هایی چون احساس‌گرایی، تخیّل، رویاپردازی، درون نگری، غم‌گرایی، عشق و فردگرایی مبتنی است. حال اگر شاعری رمانتیک با ویژگی‌هایی که ذکر شد بخواهد به محیط اجتماع، ملّت، میهن، مردم و موضوعاتی از این قبیل توجه کند و از آن‌ها در شعر خود سخن بگوید نوعی رمانتیسم جامعه‌گرا شکل خواهد گرفت» (حسین پور چافی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). با توجه به آنچه اشاره شد می‌توان گفت یکی از بارزترین جلوه‌های رمانتیسم اجتماعی، نزدیک کردن شعر به زندگی واقعی تودهٔ مردم است. مؤلفه‌هایی

که در این تحلیل استفاده خواهند شد عبارتند از: ذهنیت غنایی، توجه به نابرابری‌های اجتماعی، طبیعت گرایی در مفهوم نمادین، ناسیونالیسم.

ذهنیت غنایی و پرداختن به مسائل اجتماعی

اشعار رمانتیک‌ها مستقیم یا غیر مستقیم راجع به تلاطم‌ها و جریان‌های روحی شاعر است. موضوع شعر رمانتیک انسانی است، درگیر یک جستجوی طولانی و بی پایان که در این کنکاش به دنیای ذهن پناه می‌برد و نسبت به خوبی فطری بشر و نقش مخرب شرایط ناعادلانهٔ اجتماع و نهادهای اجتماعی سخن می‌گوید. در شعر رمانتیک من شاعر معمولاً عصیانگری است که بر ضد شرایط حاکم عصیان می‌کند؛ پس در کنار ذهنیت غنایی خودبه انتقاد از مسائل اجتماعی می‌پردازد. در رمانتیسم اجتماعی شعر شاعر همان ویژگی‌های شعر غنایی و عاشقانه را دارد و در کنار احساسات شخصی از دردها و آرمان‌های جامعه و ملت خود نیز سخن می‌گوید، اما چون در این نوع شعر، شاعر ذهنیت غنایی و رمانتیک دارد، سخن گفتنش از دردهای مردم نیز احساسی و هیجانی است و گاه به دور از تأمل و تعمق است. «این نوع از شعر با وجود توجهی که به مسائل و مشکلات اجتماعی نشان می‌دهد و با وجود ستیز مانندی که با حکومت و نظام حاکم از خود نشان می‌دهد کمتر به تنویر افکار مردم منجر می‌شود بلکه بیشتر حالت تسکین و تخدیر دارد؛ داروی درمانگر نیست، مسکن و آرام‌بخش است. سلاح نیست، سپر است» (حسین پور چافی، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

در راستای یافتن مؤلفه‌های ذهنیت غنایی در شعر میرزا احمد می‌توان گفت که احساسات و عواطف – از ویژگی‌های اصلی شعر رمانتیک - در سراسر شعر او مشهود است. شاعر در بیان احساسات غنایی هیچ محدودیت واژگانی ندارد. میزان تأثیرگذاری شعر میرزا احمد و برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب ناشی از توانمندی وی در خلق مضامین متفاوت با ذهنیت غنایی است. «شاعران کم و بیش ذهنیت‌های متفاوتی دارند. ذهنیت از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است» (فراستخواه،۱۳۹۶: ۱۰۱). بدون شک مضامینی چون خوش‌باشی و غم، تغییر هنجارهای اجتماعی، مرثیه‌ها، باورمندی یا تساهل، دوستی و دشمنی و مانند آن در ذهنّیت میرزا احمد نسبت به حوزهٔ زیست بوم او، زندگی در روستا و کوهستان، حضور مستقیم در حوادث تاریخی بین آشوب‌های جنگ جهانی در شکل‌گیری فرهنگ واژگانی شاعر و تغییرات ذهنیّت غنایی‌اش اثر گذاشته است. ذهنیّت و تجربیات شاعران در بیان این پدیده‌ها با هم متفاوت و متناسب با روحیه، استعداد و حس و حال درونی آن‌هاست. موقعیت‌ها و دوره‌های زندگی و ارزش‌ها و گرایش‌های فرهنگی، فکری نیز

یکسان نیست. و در این فرایند باید دید، ذهنیت غنایی میرزا احمد در مرحلهٔ اول در به تصویر کشیدن عشق و در مرحلهٔ دوم در بیان مسائل اجتماعی چگونه جلوه‌گری می‌کند؟

میرزا احمد در بیان احساسات عاشقانه ید طولایی دارد؛ قطعه‌های متعدد در توصیف زیبایی معشوقان ناشناس و دست نایافتنی دارد.(سەوزەم ئەسیرم، ئەگەر دوو دیدەت، شەرت بۆ جە داخت، بەرزە چناری، سیا پۆش، ئازیزم مەیلم، دیدەم لە دووریت، ئازیزم شەوبو و...) که همراه با حسرت بیان می‌شود. در این اشعار داستان «شیرین» و اشارات متعدد به خسرو و فرهاد یکی از داستان‌هایی است که بسیار بر ذهنیت شاعر اثر گذاشته است، و این ناشی از تأثیر روایت‌های متعدد این داستان در ادبیات فولکلور روانسر و کرمانشاه و هم‌چنین اماکان تاریخی است که این داستان را در گذر زمان برای مردمان آن منطقه زنده‌تر از هر جایی روایت می‌کند. شاعر در کنار این عشق نوعی غم اجتماعی را همواره بیان می‌کند، به قول فتوحی (۱۳۸۵) «جهل اجتماعی و فقر و بیچارگی مردم و ستمگری و خفقان، دل شاعر را می‌خلد، سخن از شکست است اما نه شکست فردی، بلکه شکست ایده‌آل‌های جمعی و آرمان‌های اجتماعی» (ص ۱۴۲). بیان مسائل اجتماعی با ذهنیت غنایی در شعر میرزا احمد بیشتر برای آگاه‌سازی و بیان نوعی هشدار به مخاطب است، او پدیده‌های اجتماعی چون نظام طبقاتی، فریب و تزویر، ظاهرپرستی‌های دینی، ناآگاهی مردم، اهمیت کار و دانش، تأثیر جنگ و قحطی بر زندگی مردم را با زبانی غنایی باز گو کرده است. در ذهن شاعر هر لحظه تداعی‌ها و آغازهای نوین و تازه‌ای روی می‌دهد. و این به مدد سیالیّت ذهن او است که دائم درحال تجدید شدن است. بدین گونه که حتی در بیان نامرادی‌ها و ناکامی‌ها و شکایت‌هایش با زبانی ساده سخن می‌گوید، مثل سخن گفتن هر روزهٔ ما، گویی روبه‌روی مخاطب ایستاده و زنده و پویا با او صحبت می‌کند.

در شعر «ئافەرین»

«ئافەرین خاست، شکان پێشە خوەت تێشەی بەدنامیت دا لە ریشەی خوەت
مادی و ریایی و بێ وجدان بووگی مەعلووم بۆ سوود خوەت بێ ئیمان بووگی»

(دیوان، ص ١٦٩)

در شعر «تانەمەدەری»

«تانە مەدەری، لەی ڕۆزگارە هەر گوڵ مەوێنی، پا بەند خارە

تویچ یەک خارێکی، های لە پەڕەی گوڵ دڵ گوڵ لە ئێش نیشت مەدۆ چڵ»

(دیوان، ص ۱۷۲)

در شعر «جەنگ و سوڵح» برای توصیف تأثیر این دو پدیده بر جامعه از زبان غنایی بهره گرفته و جنگ را با تشبیه به تاریکی شب، زمستان و جهنم سخت توصیف می‌کند و صلح را با صبح، بهار، شادی و نسیم پیوند می‌زند.

«جەنگ وەک جەهەننەم دنیای ڕەوشەنەن هەر ئان سوڵح بەهار گوڵ و گوڵشەنەن

جەنگ سیایی شەو، تاریکەی تارەن وەلێ سبح سوڵح سەفاش سەد تارەن

زمستان جەنگ، وەروش قەهارەن نەوبەهار سوڵح گوڵشەن وە بارەن»

(دیوان، ص ۱۷۲)

در شعر «قەڵای ڕوخاو»، «زارع بێ هۆشین»، « دێقان»، «ئاغە وە حالم» با زبان ساده رفتارهای انسانی را با واقعیت‌های زندگی روستایی پیوند داده است.

در سرآغاز شعر«زارع بێهۆشین»، سؤالاتی را به شیوۀ هشدارگونه و برای آگاه‌سازی مخاطب مطرح می‌کند و می‌گوید:

«زارع بێهۆشین، زارع بێهۆشین زارعین تا کەی مەست و بێهۆشین

تا کەی جورعەی جام، خامۆشی نۆشین؟ تا کەی زوڵم و زۆر، زاڵم لە دۆشین؟

تا کەی ناژنەفین مەگەر بێگۆشین؟ لەحاف غەفڵەت وە سەر ئەپۆشین؟»

(دیوان،ص۹۸)

بنیاد اغلب ا شعار میرزا احمد داوا شی بر پایۀ تصویر و تخیل شاعرانه، فردیت، غم، اندوه، یأس و عشق است، که همه از مؤلفه‌های رمانتیسم محسوب می‌شوند. در اشعاری که میرزا احمد به ایستادگی در برابر ظلم برای گرفتن حق خود اشاره می‌کند و اشعاری که به فقر، نبود آزادی و رنج روستاییان و مردم توجه دارد؛ رمانتیسم اجتماعی مشهود است. در اشعار رمانتیک اجتماعی میرزا احمد، ذهنیت غنایی و اشاره به

موضوعات اجتماعی بسامد بالایی دارد. از میان ۲۲۰ عنوان شعری در دیوان اشعار میرزا احمد فکر رمانتیک غلبه دارد، اما می‌توان حدود ۵۰ عنوان شـــعری با مضـــامین اجتماعی و ســـیاســـی یافت. به عبارتی ۲۳% اشعارش نمودی از رمانتیسم اجتماعی است.

نابرابری‌های اجتماعی

توجه به نابرابری‌های جامعه، تلاش برای کاهش نفوذ قدرت طبقهٔ اشراف، توان بخشیدن به قشرهای ضعیف و رنج کشیده و کاهش فشارهای اجتماعی بر مردم با تکیه بر احساسات انسانی از مهم‌ترین درون مایه‌های آثار رمانتیک به شمار می‌آید، تا جایی که می‌توان گفت عمیق‌ترین آرزوی رمانتیسم «محو تراژدی از کل صحنهٔ جهان» و«حلّ و فصل موقعیّت‌های تراژیک به صورتی غیر تراژیک بوده است» (لوکاچ، ۱۳۷۳ : ۱۴). مضمون غالب اشعار بخش «اجتماعیات» دیوان میرزا احمد داواشی نابرابری‌های اجتماعی و نمایش دوگانه‌های اجتماعی میان فقیر و غنی، مالک و کشاورز، شهری و روستایی، جنگ و صلح است. ثقل اندیشه میرزا احمد در این اشعار انسان و رفتارهای انسانی است. وی دوستدار انسان است به خصوص کارگران و دهقانان و رنج کشیدگانی که جامعه نقش بزرگی در بدبختی و مشکلات آنان دارد. وی در شعرش در کنار انتقاد از طبقه فرادست، انفعال تودهٔ مردم و ناآگاهی آن‌ها را موجب بهره‌کشی طبقات حاکم می‌داند.

«وەزع زارعـین ئـــەو ڕۆ خـــراو بوو　　جـوتیار بێچارە، جەرگی کەواو بوو

مەخسووس مالکین کـــوردستانی گشت　　چون دانەی عەدەس بێ بەر و بێ پشت

دنیا وە یەک لا، ئەوان یەک تەرەف　　مەشهوورە حوکم «نەمروود»ی «ئاسەف»

ئاگـــرواران و مـــــەحـاڵ وە مـــــەحـاڵ　　خوین دڵیان ئەخوارد، هەر یەک وە یەک حاڵ»

(دیوان، ص۱۰۱)

در عصر مشروطه تلاش برای ایجاد قانون و نهادهای مدنی از مهم‌ترین دغدغه‌های روشنفکران بود، چون آنان بر این باور بودند که جامعه و مسائل پیچیدهٔ زندگی شهری را نمی‌شود با فرمول سادهٔ اصلاح اخلاق فردی سامان داد. با وجود آگاهی از این مسأله به دلیل ارائه نکردن تعریف درستی از نهادهای اجتماعی و نیز ناآشنایی مردم با عملکرد آن‌ها، همچنین بدبینی نسبت به مسائل جدید از قبیل رأی گیری، انتخاب وکیل و نماینده،

مجلس و... قانون و نهادهای مدنی از دیدگاه آنان نمی‌توانست کارکرد مثبتی داشته باشد. میرزا احمد هم با نگاه سنتی با این مسائل مواجه می‌شود و آن را شیوه‌ای برای اصلاح جامعه نمی‌داند. در شعر «روستایی و شهری» با تکیه بر عنصر تقابلی دو اندیشه، گفتگو بین نمایندۀ روستا با نمایندۀ شهر بر سر رأی دادن و انتخاب وکیل، اتفاق می‌افتد و این ناآگاهی شخص روستایی را با تجاهل عارف چنین بیان می‌کند:

«وتی ڕەی چۆنە، ئاغە پێم بێژە پانە، سێ سووچە، کۆتاس، دریژە...»

(دیوان، ص۹۰)

در نهایت روستایی در نقش منتقدی آگاه عملکرد ضعیف وکیل و نمایندگان را به تصویر می‌کشد و آن‌ها را شکل دیگری از نهاد قدرت برای بهره‌کشی از طبقات فرودست جامعه بازگو می‌کند.

«وەکێلمان بووگە زڵمیج باقیوگە زوردار بۆ بێ زور، ماقە ماقیوگە

هەر وا باقیوگە، زوڵم وەک ساڵان زاڵمان ماڵمان ئەوەن وە تاڵان

وەکێلم بۆ چەس، زوڵم بمێنێ هەر ڕۆژ زاڵم، گیان مەزڵووم بسێنێ»

(دیوان، ص۹۱)

بدین ترتیب در شعر میرزا احمد نیز تشویق افراد جامعه و به ویژه فرادستان برای کمک به فرودستان درون‌مایۀ غالب است و در اشعار مختلفی چون «دێهاتی و شاری»، «دێقان»، «زارع بێ هۆشین»، « جەنگ و سوڵح» و «ئاغە وە حاڵم» بدبختی بخت ستم‌دیده را یادآوری می‌کند. فقر و ظلم و بی‌عدالتی، دل‌مشغولی عمیق و همیشگی شاعر می‌شود و حفظ عزت نفس و نپذیرفتن ظلم را توصیه می‌کند.

«بار زوڵم و زۆر نە کێشین وە دۆش نەکێشین قسەی ناحەساو وە گۆش»

(دیوان، ص۱٦۸)

مسئله اتحاد و یکی شدن افراد را مهمترین راه پیشرفت می‌داند.

«پشت وە پشت بدەین، یەکسەر گشتمان حازر کەین بۆ دەم دوژمەن مشتمان

یەک ڕوو یەک ڕەنگی وە یەک بنوێنین دوژمن ئەر شێر وێت پشتش بشکێنین»

(دیوان، ص۹۳)

در بیشتر این اشعار خود شاعر سخنگوی طبقهٔ کسانی است که پایگاه اجتماعی پایینی دارند، اما در مناظرات دیالکتیکی دست بالا را دارند و در استدلال پیروز میدان هستند. در شعر«کار» در گفتگوی بین «محی الدین عاشق» با کلنگ و چشمه، شاعر شرط ماندگار کردن نام را با کار پیوند زده و کارگر را محبوب میان مردم می‌داند.

«سفـــرەی کارگـــەر دایم پڕ نانە بێ کـارە بێ نان هم بێ ئیمـانە
کارگەر مەحبووب ئەنزار خەڵکە بێ کارە گۆشتی تاڵەو بێکەڵکە
کارگەر داراو با کار و کەڵکە بێ کارە کاری سەرباری خەڵکە»

(دیوان، ص۱٦۳)

دانش و کار را دو عامل برای پیشرفت جامعه می داند. این پارادایم فکری هر چند در فرهنگ ما پیشینهٔ دیالکتیکی دارد؛ اما با گفتمان حاکم بر شعر دورهٔ بیداری منطبق است که کار و کسب دانش را نه فقط به دلیل ماهیتش بلکه برای ارتقای سطح زندگی فردی و توسعهٔ اجتماعی حائز اهمیت می‌دانستند. در شعر «دانش» آرامش دنیا و مایهٔ بزرگی مقام و رسیدن به کمال را در گرو کسب دانش می داند.

«ئارامش دونیا، گشت بە دانشەن دونیای بێ دانش، کەی ئارامشەن
کشت مەزرەعەی دانش پڕ بەرەن کشت بێ دانش، بەهرەش خەتەرەن»

(دیوان، ص۱۵۸)

در شعر «دێقان» نابرابری‌های اجتماعی با مقایسهٔ زندگی ملاکین و قشر زحمت‌کش دهقانان در نظام مالک و رعیتی هم چنین مقایسهٔ ارباب زادگان با فرزند دهقانان چنین توصیف شده است:

«بێـچارە دێـقان، بێـچارە دێـقان بـێ جا نە هـەر جـا، بێـچارە دێـقان
کوڕ تۆ چۆن زالوو، عوریانەن دێـــقان جەرگـو دڵو وڵک، سەد پارە دێقان
کوڕ تۆ لە بەر خـوەر، بێمایە دێـقان کوڕ ئـەو ملـێۆنر لە سایـە دێـقان
مەدام کار ئەکەی وە برسی دێـقان باز هەم ئەلەرزی و ئەترسی دێـقان
مەبادا ئاغە ئیرادێ دێـقان بگرێ و بەرپا کا، فەسادێ دێـقان
یەکسەر بۆ ئاغە، گەوهەری دێـقان بۆ خوەت سەر تا پا، زەرەری دێـقان»

(دیوان، ص۹۵)

در شعر «وه تەڵەی کەڵەک» نابرابری‌های اجتماعی را محصول رفتار ریاکارانه و تزویر دولت و مردان سیاست می‌داند که برای اعمال سیاست‌های خود بر تودهٔ مردم، از افراد ناکارآمد و زورگیر، طبقهٔ اجتماعی جدیدی ساخته‌اند، که شریک دزد و رفیق قافله هستند و آنان را به فراخور زمان «مأمور»، «قزاق» و یا هر اسم دیگری نام نهاده‌اند و هدف آنان گرفتن آزادی مردم و پیاده‌کردن سیاست‌های حاکم بر جامعه است.

«یەک جاری دەوڵەت وە تەڵەی کەڵەک ملەتی کردگە، وە ڕێوی . دەڵەک
لە هەر کوێ دزو، دەخڵێ بوێ چەڵماس و چەڵماخ، چەپەڵی بوێ
یا قەوم فروش و یا قازاخێکە مار ناهامار، هەر سۆراخێکە
هەم لە کشوەڕیو هەم لە لەشکەڕی ئەیکەنە مەئموور، بۆ ڕەنج بێوەڕی
فەنی بۆ فنوون خزمەت ملەت مەوادی و مسادی بێ قەدر و قلەت
ئەسڵ و فەرعیان نیە ناقزن ڕەفیق قافڵەو شەریک دزن

(دیوان، ص۱۴۸)

طبیعت‌گرایی در مفهوم نمادین

وقتی که شاعر رمانتیک از طبیعت برای بیان مفاهیم اجتماعی و سیاسی بهره می‌گیرد، شعر را به سوی رمانتیسم اجتماعی هدایت می‌کند. «تلاش رمانتیك‌ها برای درك کل به جای جزء و فرار از نظم عقلانی و مکانیکی از پیش تعیین شدهٔ کلاسیك موجب شد تا خیال و آفرینش شهودی ناخودآگاه که بر احساسات مبتنی بود، نقطهٔ کانونی نگرش منتقدان و ادیبان مکتب رمانتیسم قرار گیرد. از این رو آنان نماد را به عنوان ابزاری انتخاب کردند که علاوه بر دارا بودن تمام این خصوصیات توانایی بیان امور مثالی و استعلایی را در اثر هنری نیز داشت» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۱). به همین دلیل است که «تودوروف» (۱۹۸۲) در کتاب «نظریه‌های نماد» خود چنین گفته است: «اغراق نکرده‌ایم اگر تمام زیبایی‌شناسی رمانتیک را در کلمه نماد خلاصه کنیم» (ص ۱۸۲). نماد و خلق مفاهیم نمادین از شگردهای تصویرگری در رمانتیسم اجتماعی و زاییدهٔ ذهن خلاق نویسنده یا شاعر است، حتی اگر نماد را از جای دیگری وام گرفته باشد. همان نماد بنابر شرایط اثر و مفهوم سازی تغییر می‌کند و نقش تازه‌ای به خود می‌گیرد. مثلاً «روباه» به عنوان نماد حیله‌گری و «گرگ» نماد طمع از مفاهیم پرتکرار در ادبیات و فرهنگ ماست، حال آن که میرزا احمد داواشی در شعر خود از این نمادها با توجه به طبقاتی بودن اجتماع برای مفهوم سازی استفاده کرده است. بهره‌گیری از زبان نمادین از مشخصات ادبیات

روایتی فولکلور کردی است که از دیرباز شب‌چرهٔ شب‌های مردمان کرد زبان بوده است. زبان نمادین راهکاری برای میرزا احمد بوده است، تا انتقاد و اعتراض خود را به ظلم و ستم در جامعه و قدرت پنهان که با حیله‌گری و پنهان‌کاری طبقات ضعیف را استثمار می‌کند، به خوبی نمایان سازد. در شعر «تۆبه‌ی گورگ» گرگ پیر نماد قدرت به ظاهر ضعیفی است که توان شکار ندارد و برای حفظ قدرت خود به لباس زهد و تقوا درمی‌آید، تا از ناآگاهی مردم و باورهای ایدئولوژیک آنان برای استثمارشان بهره بگیرد. گرگ به غاری می‌رود و توبه می‌کند و می‌گوید:

«شەرت وێ تا لە دەور، دنیا بمێنم هەر ڕۆژ، ڕۆژگ وم، شەو نوێژ بخوێنم

بۆ هەر بێگانە، لە خوێش، خوێشتر بم دی گورگی نەکەم، لە مێش مێشتر بم

ئازارم نەوی، بۆ بێ زوانێ لەم غارا بمرم، کەس پێم نەزانێ»

(دیوان، ص۷۱)

گرگ با سخنان مزوّرانه خود «بز و میش» را که نماد مردم ناآگاه و زودباور هستند تحت انقیاد خود درمی‌آورد.

«وە قەوڵ سۆفی، وە گوفتەی دەرویش دڵیان گەرم بوو، چ بزن و چ مێش» (دیوان، ص۷۳)

و در نهایت عامل بازدارنده‌ای که مردم به آن پناه می‌برند تا نجات پیدا کنند، مفهوم ایدئولوژیک گناه و فریب شیطان و ... است. جواب گرگ در نوع خود جای تأمل دارد که می‌گوید:

«وتی شەیتانێ، وەها خەیر وێژ وێ یا خودا، هەر وا عومری درێژ وێ

هەر کەس بۆ هەر کەس ئەر قازانجی وێت وەک عەقرەب و مار ئەر مەزاجی وێت

ئەشێ لە قەوڵی، هیچ خەتا نەکەی هەر چێ ئەو ئەیژێت ئەشێ وا بکەی»

(دیوان، ص۷۵)

در شعر دهقان نیز همین مفهوم را برای مالک و رعیت به کار می‌گیرد:

«مالک بۆت وەک گورگ، بن ماڵە دێقان گوشتت وەک مێ بۆی حەڵاڵە دێقان» (دیوان، ص۹۷)

میرزا احمد در شعر «حەجی ڕێوی» نیز با خلق تیپ‌های شخصیتی افرادی را که نشان دهندهٔ یك طبقه یا قشری از جامعه هستند و ویژگی‌ها و خصوصیات کلی آن طبقه را با خود دارند، بازگو کرده است. در این شعر میرزا احمد سودجویان فرصت طلب را که دین را دام و دانهٔ فریب خود قرار داده‌اند، به باد انتقاد می‌گیرد. در

این شعر روباه به لباس شریعت درآمده و از حج برگشته است. در ابتدا لک لک (حاجی)، مرغابی (سید) و خروس (ملا) را با خود همراه می‌کند، تا دیگر پرندگان را فریب دهد.

«ڕێوی وه حیلە و حەوالّەی درۆ فڕێویانی داو فەوری دان وه کۆ ...»

«ڕێوی وا ڕ ەگی، خاوی کەوی گرد باڵی پێ شۆڕ کرد، زوانی بەست و مرد ...»

سپس به بهانهٔ عبادت آن‌ها را به جای خلوتی در کوه می‌برد و با استفاده از حدود شرعی و با فتوای ملا کارشان را یکسره می‌کند و در نهایت ملا خود نیز به دام می‌افتد.

خەتاب کەرد وه «کەوک» کەی توو فریشتەی پەنجە و پا وه خون ئیمامان ڕەشتەی
تۆ بەد عەشرەتی، قەوم و برات گشت بانگ ئەکەیت وه غەیر خوەت ئەیدەی وەکوشت
«مەلا» فتوای دا وتی: «ئەر واسه شەخس بەد عەشرەت، بۆ کوشتن خاسه...
کەی قەبووڵ ئەکەم، ئه ناحەساوه کەواویان فەرزه و خواردن سەواوه
وه فتوای «مەلا»، «ڕێوی» خواردیانی وه سەر و پێسۆ، تەواو هاڕدیانی
«مەلا» وه خەیاڵ خوەی دی مەعاف بوو تا بەینێ ڕێوی، ئەشتەهای ساف بوو
ڕێوی بۆ ڕیا، هەر ئان لە زکراو وەلێ بۆ خواردن، مەلا لە فکراو»

(دیوان، صص٧٦ الی ٨٨)

لاکان در مقالهٔ نقش زبان در روانکاوی (۱۹۵۳) می‌گوید: «جهان کلمات جهان چیزها را می‌سازد و... انسان سخن می‌گوید چون نماد انسان را انسان کرده است» (مکاریک به نقل از لاکان، ۱۳۸۵: ۱۱۵). شکل دیگری از نمادها در دیوان میرزا احمد داواشی، استفاده از شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای است. از ضحاک و نمرود و جمشید و کیقباد و فغفور و خاقان و دقیانوس گرفته که نماد حاکمان و مظاهر قدرت می‌شوند تا رستم و زال و لقمان و حاتم و دیگران و حتی مردمانی که در کنار شاعر زندگی می‌کنند و نمادی از طبقه و قشری از اجتماع می‌شوند.

«خاقان» و «قەیسەر»، ئەساسەی «فەغفوور» ژکۆن جمجمه و سپای «سەڵم و توور» (دیوان، ص۱۳۰)

ناسیونالیسم رمانتیک یا ملی‌گرایی هویت

ایدۀ مرکزی ناسیونالیسم تصوّر هویّت ملی است. ناسیونالیسم اعتقادی است که ملت را اصل مرکزی سازماندهی سیاسی قرار می‌دهد. تلویحاً بر دو پیش فرض استوار است: اول مردمان در جهان به طور طبیعی به ملت‌های گوناگون تقسیم شده‌اند؛ دوم ملت یک اجتماع سیاسی است که مناسب‌ترین و شاید تنها واحد مشروع حکمرانی است (Jalaeepoor & Taymoori, 2013: 11)؛ بنابراین از منظر این مکتب تبدیل شدن افراد ساکن در روی زمین به ملت‌های جداگانه امری طبیعی است و مستلزم اکتساب حاکمیت سیاسی است. به طور کلی می‌توان گفت ناسیونالیسم با نوعی منطق هویت‌مدارانه، جهان را بین ما و خط مرزی غیرقابل نفوذ تقسیم می‌کند. به بیان دیگر ناسیونالیسم از یک سو هویتی را ثابت فرض می‌کند؛ هویت ملت در مقام خانواده که مایملکی خاص خود دارد از قبیل زبان، خاک، فرهنگ ممتاز و تصوری مشترک از جامعه. این هویت بر پایۀ فرض همگنی و وحدت نهاده شده اما در عین حال بر این فرض هم استوار است که مرزِ تعیین کنندۀ این هویت، که آن را از دومین عنصر سازنده آن یعنی دیگری یا دیگران جدا می‌کند، خط فاصلی انحصاری است (Vaker, 2004: 264-265).

رمانتیسم مفهومی پارادوکسی دارد که هم سرآغاز اندوهی غریب برای هنرمند در میان اجتماع است و هم نقطه عطفی برای حضور مستقیم وی در مسائل سیاسی و اجتماعی است. تأثیر رمانتیسم اجتماعی بر بازیابی هویت جمعی در میان مبارزات ملی و جنبش‌های رهایی بخش آشکار می‌شود؛ جایی که داشتن آزادی فردی در گرو آزادی ملت‌ها قرار می‌گیرد. «رمانتیک‌ها آزادی فرد را با آزادی ملت‌ها هم‌خوان می‌دیدند و در جستجوی نیرویی بودند که بتواند برای درهم ریختن وضع موجود و از میان بردن تباهی‌ها، از اعماق زندگی مردم و روح جمعی ملت‌ها سر برآورد. به همین دلیل رمانتیسم به لحاظ اجتماعی در بسیاری از کشورها عصر رستاخیز ملی و تولد واقعی ملت به مفهوم جدید آن را تداعی می‌کند» (جعفری جزی، ۱۳۷۸ : ۱۷٦). در روایت ناسیونالیسم رمانتیک ملت‌ها در فرهنگی مشترک و با روح و ارادۀ یکتا به وجود می‌آیند، و این اشتراکات در زبان، اسطوره، قوانین، آیین‌ها و آداب و رسوم و تاریخ متجلی می‌شود. «ملی‌گرایی پاسخ طبیعی انسان‌هایی است که جهان اجتماعی‌شان با گروه‌بندی‌های ثابتش از بین نرفته است، آن‌ها مشتاق پیوستن به جمعی ماندگارند» (دی اسمیت، ۱۳۹۴ : ۱۹۱). در جامعۀ زبانی کردها همواره ناسیونالیسم مسألۀ بسیار مهمی بوده و هست. این امر ناشی از وضعیت قوم کرد در میان مرزهای متعدد و تلاش قدرت‌های حاکم برای زدودن اشتراکات این قوم است. بنابراین خواسته یا ناخواسته در شعر کردی چه در نوع رمانتیک و یا دیگر انواع خود، توصیفات ناسیونالیستی نوعی رمز اتحاد برای حفظ ذات اصیل ملت و اشتراکات فرهنگی است که شعر میرزا احمد نیز

از این قاعده مستثنی نیست. وی در شعر «وطن» با تأکید برحفظ همبستگی اجتماعی و برادری میان احاد جامعهٔ خود این هویت ملی را مسالمت آمیز و مبتنی بر صلح معرفی می‌کند و آن را برای حفظ مام وطن در برابر بیگانگان ضروری می‌داند.

«هەرکەسێ کـوردی ئەسیل و ئەسڵە گیانی لە گەڵ خـاک وەتـەنیا وەسڵە
کـوردی بە غـەیرەت، پاکیزە و پاکمان گیـان ئـەدەین لە بان، ئاوو خاکمان
وەتـــەن بـۆ ئێمە، لـە خـەیر لـەبڕێزە سەنگی گـــەوهەرە و خاکی زەڕخێـزە
ئەشێ وا یـەک دەس، بکەین دەسمان بکەنین ڕیـشەی خـار و خـەسمان...
«ئەحمەد» وە «ئەحمەد»، سوڵحی مەنزورە لە ئایین و دین جەنگجویی دووڕە»

(دیوان، ص۹۳)

در منظومهٔ «هه لاڵه زەرد» روایت تاریخ ایران و کردستان را میان آشوب جنگ داخلی و جنگ جهانی بازگو کرده است. این منظومه علاوه بر حس ناسیونالیستی از لحاظ تاریخی، سیاسی و اجتماعی بسیار ارزشمند است. در این منظومه از یک سو اهمیت حفظ هویت ملی کردها را یادآور می‌شود و از دیگر سو حفظ مرزهای ایران را در گیرو دار جضور نیروهای بیگانه مورد توجه قرار می‌دهد. به همین دلیل در این شعر سیاست‌های رضا خان هم مورد نقد و هم مورد توجه قرار گرفته است.

«ئەفسەران چون شێر، وە گیان فدایی قەتع کردن ئاهەنگ ساز جودایی
ئارامش بەخشان، وە شار تەبریز خستیانۆ ئاغۆش، ئێران عەزیز...»

(دیوان، ص٦٧٨)

«ئومێدەوارم کە وا گەلی کورد بە سەرهات سەردار، بخوێنن بە ورد
تا بۆ چارەی دەرد، دەرمان بسازن لە ڕێی خەباتا خۆیان نەبازن»

(دیوان، ص٦٧٩)

شکل دیگری از وطن دوستی و توجه به سرزمین در شعر میرزا احمد خودنمایی می‌کند و آن توصیفات رمانتیک و رنگینی است که تمام مناطق مختلف کردستان از روانسر زادگاهش گرفته تا مناطق اورامان و پاوه و آبیدر و سنندج همه را در بر می‌گیرد. اشعاری نظیر «وەسفی ئاویە»، «بۆ کوردستان» و «رەوانسەر و گەرمەخانی». در مجموع در تمامی اشعار دیوان میرزا احمد با هر مضمونی اشاره به اسم مکان‌ها و توجه به نام‌ها قابل تأمل است. مثلاً در شعر «مەرگی شاهین» که شعری نمادین است، (ر. ک صص ۵۵۵ الی ۵٦۳) تمام مکان‌های نام برده حقیقی هستند و از عشق شاعر به سرزمینش سرچشمه می‌گیرد.

«نەوسوود» بەهەشتەن، «قەڵەوەز» دەروازە بەهەشت کەی وەشەن، وە ئەو ئەنازە...

کاوەن سەراوەن، سەیرانەن دەشتەن «هەولّی» کەوسەرەن، «پاوە» بەهەشتەن»

نتیجه‌گیری

با بررسی مشخصه‌های رمانتیسم اجتماعی در اشعار مورد نظر میرزا احمد داواشی می‌توان گفت: میرزا احمد در اشعارش خود را نسبت به انسان‌ها مسئول می‌داند و می‌کوشد جایگاه ارزشمند انسان را به او یادآوری کند. وی با وجود حفظ ذهنیت غنایی در اشعار، به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه درخوری دارد. مسائلی چون آزادی، فقر، نابرابری‌های اجتماعی. بسامد طبیعت در مفهوم نمادین به ویژه نمادهای سیاسی واجتماعی نیز در شعر او نقش پر رنگی دارد. او طبیعت را در انواع شعرهایش با مضامین متفاوت به خدمت می‌گیرد تا پیوند ناگسستنی زبان و طبیعت را به بهترین شکل به نمایش بگذارد. با توجه به یافته‌ها روشن است که رمانتیسم اجتماعی در شعر میرزا احمد جلوۀ خاصی دارد، هر چند اشعار وی را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف تحلیل و بررسی کرد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد:

۱- شعر میرزا احمد داواشی متأثر از جریان‌های شعری فارسی در عصر خود بوده است.

۲- میرزا احمد داواشی با ذهنیتی غنایی در اشعارش مضامین اجتماعی را به شکل انتقاد از ظلم و ستم ملاکین، بی‌عدالتی آن‌ها، توجه به حقوق کشاورزان و تهی‌دستان به کار گرفته‌است.

۳- میرزا احمد با شناخت از جامعۀ زیستی خود و ارزیابی دقیق و نگاه نقادانه هر آنچه را درست می‌دانست انتخاب می‌کرد و در خلق شعرهایش از آن‌ها بهره می‌گرفت.

۴- وی با ساختن دوگانه‌هایی میان شهری و روستایی، جنگ و صلح، پیری و جوانی، گرگ و بز و میش، روباه و پرندگان، ویژگی‌های جامعه سنتی و فریبکاری‌های عنصر قدرت را برای استثمار مردم بیان می‌کند.

۵- مؤلفه‌های پر بسامد رمانتیسم اجتماعی در شعر میرزا احمد عبارتند از: ذهنیت غنایی، توجه به نابرابری‌های اجتماعی، طبیعت گرایی در مفهوم نمادین و ناسیونالیسم.

٦- شاعر در بیان احساسات غنایی هیچ محدودیت واژگانی ندارد. میزان تأثیرگذاری شعر میرزا احمد وبرقراری ارتباط عاطفی با مخاطب ناشی از توانمندی وی در خلق مضامین متفاوت با ذهنیت غنایی است.

۷- . از میان ۲۲۰ عنوان شـــعری در دیوان اشـــعار میرزا احمد فکر رمانتیک غلبه دارد اما می‌توان حدود ۵۰ عنوان شعری با مضامین اجتماعی و سیاسی یافت. به عبارتی ۲۳% اشعارش نمودی از رمانتیسم اجتماعی است.

۸- برای رفع نابرابری‌های اجتماعی معمولاً شاعر سخنگوی طبقهٔ کسانی می‌شود که پایگاه اجتماعی پایینی دارند، اما در مناظرات دیالکتیکی دست بالا را دارند و در استدلال پیروز میدان هستند.

۹- میرزا احمد داواشی در شعر خود نمادها را با توجه به طبقاتی بودن اجتماع برای مفهوم سازی استفاده کرده است.

۱۰- در شعر کردی توصیفات ناسیونالیستی نوعی رمز اتحاد برای حفظ ذات اصیل ملت و اشتراکات فرهنگی است که در شعر میرزا احمد داواشی با تأکید برحفظ همبستگی اجتماعی و برادری میان احاد جامعهٔ خود این هویت ملی را مسالمت آمیز و مبتنی بر صلح معرفی می‌کند و آن را برای حفظ مام وطن در برابر بیگانگان ضروری می‌داند.

منابع:

- ئەبوبەکر، هەژاڵ. ۲۰۱۰، پێگەی ڕێبازی ڕومانتیکی لە شیعری کوردیدا. سلێمانی: لەریا.
- الماسی، عطا. ۱۳۹۷، بررسی جلوه‌های رمانتیسم در شعر میرزا احمد داواشی، همایش بزرگداشت شاعر و عارف کرد میرزا احمد داواشی، کرمانشاه، ایران.
- برلین، آیزایا. ۱۳۸۷، ریشه‌های رمانتیسم، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: ماهی.
- جعفری جزی، مسعود. ۱۳۷۸، سیر رمانتیسم در اروپا، تهران: نشر مرکز.
- حسین پور چافی،علی. ۱۳۸۴، جریان‌های شعری معاصر فارسی از کودتا تا انقلاب، تهران: امیر کبیر.
- داواشی، میرزا احمد.۱۳۸۹، دیوانی میرزا ئەحمەدی داواشی، تهران: نشر احسان.
- دی اسمیت، آنتونی. ۱۳۹۴، ناسیونالیسم و مدرنیسم، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر ثالث.
- سیدحسینی، رضا. ۱۳۷٦، مکتب‌های ادبی، جلد اول، تهران: نگاه.
- سه‌یر، رابرت و مشیل، لووی. ۱۳۷۳، *رمانتیسم و تفکر اجتماعی*، ترجمۀ یوسف اباذری، فصل‌نامۀ ارغنون، تابستان شماره دوم، صص ۱۱۹- ۱۷۴.
- فراستخواه، مقصود. ۱۳۹٦، ذهن وهمه چیز، تهران: نشرکرگدن.
- فرشیدورد، خسرو.۱۳۸۲، دربارۀ ادبیات و نقد ادبی، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- فتوحی، محمود.۱۳۸۵، بلاغت تصویر، تهران: نشر سخن.
- لوکاچ، گئورگ. ۱۳۷۳، *فلسفۀ رمانتیک زندگی*، ترجمۀ مراد فرهادپور، فصل‌نامۀ ارغنون، تابستان شماره دوم، صص ۱- ۱۸.
- مکاریک، ایرنا ریما. ۱۳۸۴، دانش‌نامۀ نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمۀ مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران:آگه.
- هاشمی، زهره. ۱۳۸۹، *کارکرد تمثیل از دیدگاه منتقدان رمانتیک*، فصلنامه نقد ادبی، سال۳، شمارۀ ۹، صص۴۹-۷۲

- Jalaeepoor, H. & Taymoori, S.R. (2013). The Globalization of Politic and the Challenge of the State and Territory Weber. Journal of Social Studies and Research in Iran, 2(4), 627-645.[in Persia.]
- Todorov, Tzvetan. (1982). Theories of the Symbol. Trans. Catherine Porter. Ithaca: Cornell University Press.
- Vaker, R. (2004). Postmodernism, the Encyclopedia of nationalism, under the supervision of Alexander Matil, the Translation of Mahboubeh Mohajer, Publications of the Ministry of Foreign Affairs Special Library.